

نقدی بر واقع‌نمایی تجربیات لحظات نزدیک به مرگ براساس آموزه‌های قرآن و روایات

عباس گوهری^۱

چکیده:

امروزه بشر از دو طریق سعی نموده تا نسبت به مرگ به عنوان اسرارآمیزترین حادثه، آنقدر آگاهی کسب نماید تا بتواند نسبت به دل‌نگرانی‌های خویش از پدیده‌ای که روزی قطعاً برای او واقع خواهد شد فائق آید. راه اول شناخت پدیده احتضار با استفاده از تبیین‌های الهی و دینی مبتنی بر وحی است. راه دوم که به خصوص در جوامع غیر مسلمان بسیار مورد توجه قرار گرفته، عبارت است از «تجربیات نزدیک مرگ». هدف اصلی این نگارش آن است که خواننده بتواند پس از مطالعه مقاله، وجوه تشابه و تفاوت تجربیات نزدیک به مرگ نسبت به گزارش‌های آیات و روایات از پدیده احتضار را دریابد.

کلید واژه‌ها: مرگ، احتضار، تجربیات لحظات نزدیک به مرگ، NDE.

۱- احتضار در آیات و روایات

۱-۱- معنای احتضار

احتضار آخرین لحظات زندگی در این دنیا و اولین ساعات ورود به زندگی ابدی است و در روایات اسلامی به شخصی که چنین لحظاتی را تجربه می‌کند، محتضر گفته می‌شود.^۲ محقق بحرانی در مورد دلیل نامیدن لحظات پایان عمر به احتضار می‌فرماید: «و سُمی به لان الملائكة تحضره او لحضور اهله عنده ولحضور المومنین لتجهيزه و توجيهه الى القبلة» (البحرانی، ۳/۳۵۲).^۳

۱- استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۲- محتضر: اسم مفعول من احتضر بمعنى حضر، اعراب القرآن الکریم، ۳/۲۸۶.

۳- به این لحظات احتضار گفته می‌شود. بخاطر حضور ملائکه یا خانواده در اطراف فرد یا مومنین برای تدارک مراسم تجهیز و قرار دادن شخص رو به قبله.

صاحب جواهر نیز می‌فرماید: «سمی به لحضور المریض الموت او حضور الملائكة عنده والائمة عليهم السلام... اولحضور المومنین عنده ليشيعوه او لاستحضاره عقله او لجميع ذلك» (نجفی، ۱۳۶۷، ۵/۴).^۱

«والمراد بسكرة الموت ما يعرض الانسان حال النزاع اذ يشتغل بنفسه و ينقطع عن الناس كالسكران الذى لا يدري ما يقول ولا ما يقال له» (طباطبایی، ۳۴۸/۱۸)

جان دادن یا حالت احتضار در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام سكرات و غمرات^۲ نامیده شده است.^۳ رمز نامیدن آن لحظات دشوار به سكرات را علامه طباطبایی چنین بیان می‌فرماید: «بنابراین رمز نامیدن لحظات احتضار به سكرات، حالتی شبیه سُكر و مستی است که در آن لحظات به انسان چیره می‌شود و از توجه به اطرافیان غافل شده، به خود می‌پردازد» (همانجا).

بنا بر برخی از مواردی که گذشت، معلوم می‌شود در لحظات مرگ، افرادی برای محتضر قابل رؤیتند که از دیگران غایبند. شخص محتضر می‌بیند کسانی را که بر بالای سرش حاضرند و بدین خاطر به او نام محتضر داده‌اند. بنابراین آیات شریفه قرآن حضور ملک الموت یا فرشته قبض روح بر بالای سر محتضر حتمی است.

در هنگام احتضار حجابهای مادی از مقابل دیدگان برداشته می‌شود و لذا بدکاران به هنگام مرگ واقعیت عالم را مشاهده نموده، خواستار توبه و بازگشت می‌گردند که طبیعتاً چنین توبه‌ای مقبول نیست.

ولیس التوبه للذین يعملون السيئات حتّى اذا حضر احدهم الموت قال انى تبت الان (النساء، ۱۸)، یعنی: و توبه کسانی که گناه می‌کنند تا وقتی مرگ یکی از ایشان در رسد می‌گویند «اکنون توبه کردم» پذیرفته نیست.

۱- به این لحظات احتضار گفته شود. بخاطر حضور مرگ نزد مریض و یا حضور ملائکه و ائمه (ع) در نزد او... یا حضور مومنین نزد او برای تشییع او یا حضور قوه تعقل، یا بخاطر جمیع این موارد.

۲- غمرات جمع غمره است به معنای گردابها و سختی‌ها است. در حقیقت انسان در حالت فزع و احتضار چنان از خود بیخود می‌شود که گویی همه چیز را تاریک می‌بیند و قدرت درک هیچ جز درد جانکاه خویش را ندارد (ابن منظور، ذیل غمر).

۳- و جاءت سكرة الموت بالحق ذلك ما كنت منه تحيد (ق، ۱۹).



بنابراین آنچه در واژه احتضار مسلم است، حضور فرشتگان قبض روح در نزد محتضر است که این نکته از قرآن بخوبی قابل برداشت است. ذکر نمونه‌ای از ادراکات نزدیک به مرگ و بازگشت معجزه آسای روح به بدن مرحوم آیه‌الله العظمی حائری در این زمینه خالی از لطف نیست و تأییدی است بر مدعای ما:

«... هنگامی که در کربلا بودم شبی در خواب دیدم که فردی به من گفت: شیخ عبدالکریم کارهایت را ردیف کن که تا سه روز دیگر از دنیا خواهی رفت. از خواب بیدار شدم و غرق در حیرت گشتم اما بدان توجه زیادی نکردم. شب سه‌شنبه بود که این خواب را دیدم. روز سه‌شنبه و چهارشنبه را به درس و بحث رفتم و کوشیدم خواب را فراموش کنم و پنجشنبه که تعطیل بود با برخی از دوستان به باغ معروف «سید جواد کلیددار» در کربلا رفتم و پس از گردش و بحث علمی نهار خوردیم و به استراحت پرداختیم. هنوز خوابم نبرده بود که به تدریج تب و لرز شدیدی به من دست داد و به سرعت شدت یافت و کار به جایی رسید که دوستان هر چه عبا و روانداز بود همه را روی من انداختند. اما باز هم می‌لرزیدم و آنگاه پس از ساعتی تب سوزانی همه وجودم را فرا گرفت و احساس کردم که حال بسیار وخیم است و با مرگ فاصله‌ای ندارم. از دوستان خواستم که مرا هر چه سریعتر به منزل برسانند و آنان نیز وسیله‌ای یافتند و مرا به خانه انتقال دادند و در منزل به حالت احتضار افتادم و کم‌کم علائم و نشانه‌های مرگ از راه رسید و حواس ظاهری رو به خاموشی نهاد و تازه به یاد خواب شب سه‌شنبه افتادم.

در آن حالت بحرانی بودم که دیدم دو نفر وارد اتاق شدند و در دو طرف من قرار گرفتند و ضمن نگاه به یکدیگر گفتند: پایان زندگی اوست و باید او را قبض روح کرد. من که مرگ را در برابر دیدگانم می‌دیدم با قلبی سوخته و پر اخلاص به سالار شهیدان توسل جسته و گفتم، سرور من از مرگ نمی‌هراسم اما از دست خالی و فراهم نکردن زاد و توشه آخرت بسیار نگرانم. شما را به حرمت مادرت فاطمه (س) شفاعت مرا بکن تا خدا مرگم را به تأخیر اندازد و من کار آخرت را بسازم و آنگاه بروم. شگفتا که پس از این توجه قلبی دیدم فردی وارد شد و به آن دو فرشته گفت: سیدالشهداء (ع) می‌فرماید: شیخ به ما توسل جسته و ما شفاعت او را نزد خدا نموده‌ایم که عمر او را طولانی سازد و خدا از سر مهر به ما اجابت فرموده است. او را رها کنید

و آن دو به نشانه اطاعت، خضوع کردند و آنگاه هر سه با هم صعود نمودند. درست در آن لحظات احساس کردم که رو به بهود بازگشتم». (رازی، ۲۱۰)

۱-۲- در هنگام احتضار چه اتفاقاتی رخ می‌دهد؟

۱-۲-۱- از لحظه احتضار مشخص می‌شود که محتضر اهل نجات است یا دوزخ. علامه طباطبائی آغاز تقسیم مردم به دو طایفه یمین و شمال را از زمان احتضار می‌داند. (همو، ۱۷۴/۲)

البته عده‌ای نیز به هنگام مرگ نمی‌دانند که از کدام دسته‌اند. اینان عمدتاً پس از دخول در نار اهل جنت خواهند بود. ایشان مؤمنان گناهکارند که بواسطه شفاعت نجات خواهند یافت. (مفید، ۲۹)

۱-۲-۲- مشاهدات مؤمنان و کفار در لحظات احتضار متفاوت است. قرآن قبض روح افراد را متفاوت و مرتبط با موقعیت و مقام ایشان در نزد باری تعالی می‌داند و به طور کلی دو نوع قبض روح را برای آدمیان ترسیم می‌نماید:

الف - «الذین تتوفاهم الملائكة طین یقولون سلام علیکم ادخلوا الجنة بما کنتم تعملون» (النحل، ۳۲)، یعنی: کسانی که فرشتگان (مرگ) روحشان را می‌گیرند در حالی که پاک و پاکیزه‌اند به آنها می‌گویند: سلام بر شما. وارد بهشت شوید برای اعمالی که انجام دادید.

ب - «فکیف اذا توفتهم الملائكة یضربون وجوههم وادبارهم» (محمد، ۲۷)، یعنی: حال آنها چگونه خواهد بود هنگامی که فرشتگان (مرگ) بر صورت و پشت آنان می‌زنند و جانشان را می‌گیرند.

با توجه به تعبیر به کار گرفته شده، در آیات فوق چنین برمی‌آید که کیفیت قبض روح در مومن و کفار تفاوت دارد. بر همین اساس ملائکه مرگ نیز بر دو دسته‌اند. همانطور که امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرموده‌اند: «ولم یلک الموت اعوان من الملائكة الرحمة و النعمة» (مجلسی، ۱۳۹/۶ با عنوان: باب ملک الموت و احواله)، یعنی: ملک الموت دارای اعوان و یارانی است از فرشتگان رحمت و عذاب.

در حقیقت ملک‌الموت و سایر فرشتگان مرگ نسبت به مومن رحمتند و نسبت به کافر عذاب. فرشته مرگ صورت خاص و مشخصی ندارد بلکه جلوه‌های گوناگون

دارد. چرا که مجرد است، بنابراین بر مومن به گونه‌ای جلوه‌ای می‌کند و بر کافر به گونه‌ای دیگر.

روایت زیر این مطلب را به خوبی روشن می‌نماید:

ابراهیم خلیل‌الله به ملک الموت عرضه داشت: آیا امکان دارد که آن صورتی را که به هنگام قبض روح انسان فاجر بر او ظاهر می‌شود اکنون به من نشان بدهی؟ عزرائیل عرض کرد: آیا طاقت و توانش را داری؟ فرمود: آری. عزرائیل عرض کرد: پس رویت را برگردان. حضرت رویش را برگرداند. پس از اینکه فرشته را دید ناگهان او را در هیبت مردی سیاه و بسیار بد بو دید که موهای بدنش ایستاده و لباس سیاهی بر تن دارد و از دهان و سوراخهای بینی اش شعله آتش و دود زبانه می‌کشد. ابراهیم بیهوش شد و سپس بیهوش آمد و گفت: اگر فاجر جز این صورت را که به هنگام مرگ مشاهده می‌کند نبیند همین عذاب برایش کافی است. (مجلسی، پیشین، ۱۴۲)

بنابراین می‌توان گفت مشاهدات مومنین و کفار به هنگام احتضار کاملاً متفاوت است که با استفاده از روایات به بیان پاره‌ای از مشاهدات مومنین و کفار می‌پردازیم.

۱-۳- مشاهدات مؤمنین

از روایات چنین برمی‌آید که مومن به هنگام قبض روح دچار سختی و کراحت نمی‌شود. از امام صادق (ع) خواسته شد که مرگ را توصیف نمایند. حضرت فرمود: «مرگ برای مومن مانند خوش‌بوترین رایحه است که مومن از استشمام آن دچار حالتی شبیه به خواب می‌شود و در این حالت هر چه درد و رنج است به طور کلی از او منقطع می‌گردد در حالی که مرگ برای کافر و فاسق مانند گزش افعی و نیش عقرب بلکه شدیدتر از آن است». (همانجا، ۱۵۱)

همچنین مؤمنان صور مثالی رسول خدا و ائمه معصومین را به هنگام مرگ مشاهده می‌کنند:

ابوبصیر می‌گوید به امام صادق (ع) عرض کردم فدایت شوم آیا مومن به هنگام خروج روح از بدنش دچار کراحت و سختی می‌شود؟

فرمود: نه والله. عرض کردم: پس حالش چگونه است؟ فرمود: هنگامی که مرگ مؤمن فرا می‌رسد رسول خدا (ص) و اهل بیتش امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، فاطمه،

حسن، حسین و تمام ائمه معصومین (ع) بر او حاضر می‌شوند (حضرت در اینجا دستور دادند در نقل حدیث، نام فاطمه (س) را پنهان کنید) و همراه آنان جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل (ع) نیز حاضر می‌شوند. در این میان امیرالمؤمنین (ع) عرض می‌کند: یا رسول‌الله این شخص از محبین ما بود و ولایت ما را در دل داشت. من هم او را دوست می‌دارم. رسول خدا می‌فرمایند: ای جبرئیل، او محب علی و فرزندان او بود. من هم او را دوست می‌دارم. جبرئیل به میکائیل و اسرافیل نیز همین مطلب را می‌گوید، آنگاه همگی به ملک الموت می‌گویند: این شخص محمد (ص) و آلش را دوست می‌داشت و ولایت علی و اولادش را در دل داشت. پس تو هم با او مدارا کن. ملک‌الموت می‌گوید: قسم به کسی که شما را برگزید و کرامت بخشید و محمد (ص) را نبوت داد و به رسالتش مخصوص گردانید، من نسبت به این شخص از پدرش مهربانتر و از برادرش دلسوزترم. سپس ملک‌الموت به سوی محتضر رفته، می‌گوید: ای بنده خدا، آیا برات آزادیت را گرفته‌ای؟ آیا امان نامه‌ات را دریافت نموده‌ای؟ محتضر می‌گوید: آری. فرشته می‌گوید: به وسیله چه چیزی؟ پاسخ می‌دهد: به وسیله محبت به محمد (ص) و آل محمد و به وسیله ولایت به علی بن ابیطالب و فرزندان. پس به او می‌گوید: اینک از آنچه که می‌ترسیدی (عذاب الهی) ایمن گشتی و به آنچه امیدوار بودی (رحمت الهی) خداوند به تو عنایت فرمود. چشمانت را باز کن و آنچه که مقابل توست ببین. محتضر چشمانش را می‌گشاید و صورت مثالی رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) را یکی یکی می‌نگرد و دری از بهشت به سوی گشوده می‌گردد و بدان می‌نگرد. به او گفته می‌شود که این است آنچه که خداوند به تو وعده فرمود و اینها رفیقان و همراهان تو. آیا دوست داری که به آنها ملحق شوی و یا (می‌خواهی) به دنیا برگردی؟ (همانجا، ۱۶۲)

در کتاب شریف کافی نیز به نقل از امام صادق (ع) تصریح شده است که: «ان الرجل اذا وقعت نفسه فی صدره رای. قلت: جعلت فداک و ما یری؟ قال یری رسول‌الله (ص) فیقول له رسول‌الله. انا رسول‌الله ابشر ثم قال ثم یری علی بن ابی طالب (ع) فیقول: انا علی بن ابی طالب الذی کنت تحب اما لا نفعنک الیوم. قال: قلت له: ایکون احدمن الناس یری هتذا ثم یرجع الی الدنیا؟ قال: اذا رأى هذا ابداً مات». یعنی: امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که جان به سینه می‌رسد (محتضر) می‌بیند. گفتیم: فدایت شوم چه

می‌بینید؟ فرمود: رسول خدا (ص) را می‌بیند که به او می‌فرمایند من رسول الله هستم. من پیامبر خدا هستم و تو را بشارت می‌دهم. سپس فرمود: آنگاه علی بن ابی طالب را می‌بیند که می‌فرماید: من علی بن ابی طالب هستم که به او عشق می‌ورزیدی امروز آن محبت به تو سود می‌بخشد. سپس عرض کردم: آیا ممکن است کسی این صحنه‌ها را ببیند و سپس به دنیا بازگردد! فرمود: اگر چنین چیزهایی را ببیند دیگر هرگز بازگشتی نیست^۱ (کلینی، ۲۳۴/۳).

پیامبر گرامی اسلام در حدیث معراج از قول خداوند متعال چنین می‌فرماید: [چون وقت جان دادن مؤمنین فرا می‌رسد] همه درهای آسمان را در مقابل روح آنها مفتوح می‌گردانم و به بهشت‌ها فرمان می‌دهم تا خود را زینت‌نمایند و حورالعین را امر می‌کنم تا خود را برای مؤمنین بیاریند و فرشتگان را می‌گویم تا بر آنان درود و سلام فرستند و امر می‌کنم تا بادی از طرف عرش وزیدن کند و کوههای کافور و مشک خوش بو را به حرکت درآورد و بدون آتش برافروخته گردانند. سپس او را وارد بهشت می‌گردانند در حالی که بین من و او حجابی وجود ندارد. پس من درموقع قبض روحش به او می‌گویم: مبارک باد ورودت بر ما بیا به سوی ما با کرامت و بشارت رحمت و رضوان و بر تو باد بهشت‌هایی که دارای نعمت‌های پایدار است. جایی که مؤمنان در آن جاودان خواهند بود. همانا در پیشگاه خداوند متعال اجری عظیم است ای پیامبر من کاش می‌دید که ملائکه چگونه این روح را دست به دست می‌دهند. (دیلمی، ۱/ باب ۲۰۰/۵۴)

مولانا چه خوش در مثنوی از زبان بلال حبشی مرگ را توصیف می‌نماید. هنگامی که بلال در پاسخ به ناله‌های همسر خود و شکایت از فراق چنین می‌گوید:

۱- سید حمیری شاعر اهل بیت (ع) این روایت را چنین به صورت شعر بیان کرده است:

قول علی لحارث عجب	کم ثم اعجوبه له حملا
ياحار همدان من يمت يرنى	من مومن او منافق قبلًا
يعرفنى طرفه و اعرفه	بعينه واسمه و ما عملا
وانت عند الصراط تعرفنى	فلا تخف عثرة ولا زلا
اسقيك من بارد على ظمأ	تخاله فى الحلاوه عسلا
اقول للناس حين توقف للعرض	دعيه لا تقربى الرجلا
دعيه لا تقربيه انّ له	حبلاً بحبل الوصى متصلا

(مجلسی، ۲۴۰/۳۹)

گفت جفتش الفراق ای خوش خصال
گفت جفت امشب غریبی می‌روی
گفت نی نی بلکه امشب جان من
گفت رویت را کجا بینیم ما
حلقه خاصش به تو پیوسته است
اندر آن حلقه ز رب العالمین
گفت ویران گشت این خانه دریغ
کرد ویران تا کند معمورتر

گفت نی نی الوصال است الوصال
از تبار خویش غایب می‌شوی
می‌رسد خود از غریبی در وطن
گفت اندر حلقه خاص خدا
گر نظر بالا کنی نه سوی پست
نور می‌تابد چو در حلقه نگین
گفت اندر مه نگر منگر به نیغ
قوم انبه بود و خانه مختصر

(مولوی، دفتر سوم، ص ۱۹۶)

۱-۴- نظر قرآن درباره مشاهدات اهل کتاب

بر مبنای مضامین آیات و توضیحاتی که مفسران داده‌اند روشن می‌شود که اهل کتاب هنگام احتضار، پیامبر خود را مشاهده می‌نمایند. این حکم هم شامل مومنین و هم شامل غیر مومنین از اهل کتاب (که توفیق تصدیق کامل نسبت به پیامبر خویش و آموزه‌های دینی او پیدا نکرده‌اند) می‌شود. از جمله این موارد می‌توان از آیه ۱۵۹ سوره نساء «وإن من أهل الكتاب إلا ليؤمننّ به قبل موته و يوم القيامة يكون عليهم شهيدا» یاد نمود. علامه مجلسی از قول بسیاری از مفسران این آیه را دال بر رؤیت حضرت مسیح (ع) هنگام احتضار دانسته و معتقد است این حکم حتی شامل حال کسانی می‌شود که در زمان حیات و سن تکلیف، آن حضرت را مورد تصدیق قرار نداده‌اند (مجلسی، ۲۴۷/۴۲).^۱

۱-۵- مشاهدات کفار طبق آیات

کفار نیز در لحظات احتضار مشاهداتی به فراخور حال زندگی دنیایی خود دارند روایات فراوانی به لحظات احتضار ایشان اشاره نموده‌اند که ذکر برخی از آنها خالی از لطف نیست.

۱- عبارت مجلسی در بحار چنین است: «فی الكتاب العزیز ما يدل علی أن اهل الكتاب ما يموت منهم ميت حتى يصدق بعيسى ابن مريم (ع) و ذلك قوله تعالى: «وإن من أهل الكتاب إلا ليؤمننّ به قبل موته و يوم القيامة يكون عليهم شهيدا». قال كثير من المفسرين یعنی بذلك إن كل ميت من اليهود و غیرهم من اهل الكتاب السالفة إذا احتضر رأى المسيح عنده فيصدق به من لم يكن في اوقات التكليف مصدقا به».



امام صادق (ع) فرمود: «وقتی کافر به حال احتضار می‌افتد رسول‌خدا (ص) علی (ع) جبرئیل و ملک‌الموت بر او حاضر می‌گردند پس علی به او نزدیک شده می‌گوید: یا رسول‌الله این شخص در دنیا ما را دشمنی می‌پنداشت پس من هم او را دشمن می‌دارم. رسول‌خدا (ص) می‌فرماید: ای جبرئیل این شخص خدا و رسولش و اهل بیت رسولش را دشمن می‌داشت. من هم او را دشمن می‌دارم. و جبرئیل می‌گوید: ای ملک‌الموت این شخص رسول خدا و اهل بیت او را دشمن می‌داشت من هم او را دشمن می‌دارم. پس به او سخت بگیر ملک‌الموت بدو نزدیک شده می‌گوید: ای بنده خدا آیا برات آزادیت از آتش را گرفته‌ای؟ آیا به دستاویز بزرگ (حب محمد و آل محمد) در زندگی دنیا تمسک جسته‌ای؟ پس می‌گوید: نه. ملک‌الموت می‌گوید: آگاه باش ای دشمن خدا به خشم و عذاب خداوند عزوجل. اینک آنچه تو از آن می‌ترسیدی بر تو نازل گشت سپس روحش را بیرون می‌کشد به صورتی عجیب و سخت». (مجلسی، ۱۹/۶)

همچنین یکی دیگر از عذابهای کفار به هنگام جان دادن مشاهده نعمتهایی است که او خود را از وصول به آنها محروم گردانیده است.

امام صادق (ع) در این باره چنین فرمود: «هنگامیکه جان‌کندن افراد همانند فرا می‌رسد فرشته مرگ در زشت‌ترین و هراسناک‌ترین صورتهای بر آنها ظاهر و نمایان می‌شود و شیطانهای سرکشی که با آن فرد آشنا بودند او را احاطه می‌کنند فرشته مرگ به او می‌گوید: ای نفس پلید کافر به خدا و منکر پیامبر (ص) و امامت علی (ع) و جانشینان او، لعنت خدا و غضب او بر تو باد. آنگاه می‌گوید: اینک سرت را بالا برده نگاه کن. در واقع او حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت علی (ع) و سایر ائمه معصومین (ع) را بر تخت‌هایی در مقابل عرش الهی می‌بیند. بهشت‌هایی الهی را می‌نگرد که درهای آنها گشوده است و کاخها و درجات و منزلهایی را که در فکر و آرزوی احد نگنجد. در این حال فرشته مرگ می‌گوید: اگر تو با اولیای خدا دوست بودی روح تو به سوی آنان عروج می‌کرد و جایگاهت در آن بهشت می‌بود و آنجا منازل تو و اولیای تو و مجاوران تو بود.

پس از آن فرشته مرگ حجاب دوزخ را کنار می‌کند و او در آن انواع بلاها و گرفتاری‌ها و عذابها و بدبختی‌ها را ملاحظه می‌کند و به او گفته می‌شود اینجا منزل و مأوی توست. آنگاه شیطانهایی که او را اغوا و گمراه می‌کردند و او از آنها اطاعت

می‌کرد در حالیکه در آنجا در زنجیرها و غل‌ها کشیده شده‌اند برای او مجسم می‌شوند و بدینگونه مرگ او در نهایت حسرت و شدت صورت می‌گیرد (همانجا، ۲۰۰).

بر اساس آنچه بر مبنای آیات و روایات گفته شد نکات ذیل را می‌توان از خصوصیات مرگ و احتضار دانست و بر اساس همین نکات است که می‌توان به بررسی و ارزیابی گزارش‌های مربوط به تجربیات نزدیک مرگ پرداخت:

- ۱- مرگ حالتی است شبیه به سکران و از خود بی‌خودی.
- ۲- شخص محتضر، نسبت به احتضار و حالت مرگ خویش آگاه است.
- ۳- در لحظات مرگ، افرادی برای محتضر قابل رؤیتند که از دیگران غایبند.
- ۴- در هنگام احتضار حجابهای مادی از مقابل دیدگان برداشته می‌شود.
- ۵- هنگام قبض روح فرشتگان، وجود مقدس پیامبر اکرم و امیرالمومنین در نزد محتضر مسلمان و پیامبران سایر امم در نزد پیروانشان حاضر می‌شوند.
- ۶- مشاهدات افراد در لحظات مرگ یکسان نیست و بسته به ایمان افراد متفاوت است.

۲- مقایسه گزارش‌های مربوط به تجربیات نزدیک مرگ با نتایج پیشین

امروزه مبحث مرگ و مراحل بعد از جدایی روح از بدن توسط برخی از اندیشمندان مورد توجه قرار گرفته است. از مجموعه آنچه در این زمینه قابل دسترسی است معلوم می‌گردد محور و اساس طرح این سلسله مباحث، پدیده‌ای است که از آن تعبیر به «تجربیات نزدیک به مرگ»^۱ می‌گردد. مراد از این تعبیر، تجارب و حالات بشری است نزدیک به مرگ. در این تجربه آدمی در حالتی بسیار شبیه به مرگ فرو می‌رود، این همان لحظاتی است که انسان دچار یک مرگ موقت پزشکی می‌گردد. البته در اینگونه موارد ادراکات مغزی بشر به صفر نمی‌رسد چرا که در آن صورت مرگ قطعی است و بازگشتی در کار نخواهد بود ولی در طول دوران حیات بشر خصوصاً عصر حاضر که به مدد کمک گرفتن از ابزار نوین بشر توانسته چنین لحظاتی را ثابت کند، بوده‌اند کسانی که مرحله‌ای را با نام «تجربیات نزدیک به مرگ» پشت سر گذاشته‌اند. انسانهایی که از نظر پزشکی مرده‌اند و یا علایم بسیار ضعیفی از حیات داشته‌اند و پس از بازگشت به هوشیاری کامل از حالات خود و ادراکات روحی خود در آن لحظات سخن گفته‌اند.

1 - Near Death Experience. (NDE).



(جان هیک، ۲۶۷). در ادامه این مقاله به تعدادی از گزارش‌های موجود پیرامون این لحظات توسط کسانی که دچار چنین تجربیاتی شده‌اند اشاره خواهد شد و در هر مورد با استناد به آنچه پیش از این گفته شد تلاش می‌شود صحت و سقم موارد گزارش شده بررسی شود. نگارنده بر این اعتقاد است که بخشی از آنچه در این گزارش‌ها آمده می‌تواند صحیح باشد اما نمی‌توان تمامی خصوصیات ذکر شده در این گزارش‌ها را با مضامین آیات و روایات که در ابتدای این مکتوب مورد توجه دانست سازگار دانست. لازم به ذکر است که این گزارش‌ها توسط دانشمندان غربی نیز مورد توجه قرار گرفته و با بررسی‌های به عمل آمده، نسبت به آن‌ها داوری صورت گرفته است. مشاهده این داوری‌ها حاکی از آن است که اگرچه این گزارش‌ها مورد نفی و انکار کلی قرار ننگرفته است اما نسبت به پذیرش تمامیت آن‌ها نیز در این دانشمندان تردید وجود دارد.

اولین کسی که به‌صورت جدی به بررسی این پدیده پرداخت دکتر ریموندی. مودی بود.^۱ وی با بررسی گزارشات کسانی که ادعا کردند در فاصله مرگ پزشکی تا زندگی مجدد، ادراکاتی داشته‌اند، کتابی باعنوان زندگی پس از زندگی^۲ نگاشت و برای اولین بار به تحلیل و بررسی مشترکات این تجربیات پرداخت. آنچه مودی و سایر پژوهشگران پس از وی تأیید می‌نمایند احساسات مشترک بین افرادی است که تجربیات نزدیک به مرگ داشته‌اند. در حقیقت تمامی این افراد خود را خارج از بدن حس کرده و تجربه خروج از بدن داشته‌اند. اولین مرحله از تجارب این اشخاص با خروج از بدن و باور این نکته که آنان مرده‌اند روی می‌دهد. هر چند پس از مدت کوتاهی، روح خارج شده دوباره به بدن باز می‌گردد و این لحظه‌ایست که پزشکان توانسته‌اند شخص را احیا کنند و دوباره به زندگی دنیایی بازگردانند. معمولاً افراد پس از بازگشت به حیات دوباره، به بیان مشاهدات خود در آن مقطع پرداخته‌اند که وجوه مشترک این مشاهدات در این مقاله خواهد آمد. در حقیقت این مشاهدات و گزارشات به حدی است که نمی‌توان منکر وقوع آن شد هر چند تفسیرها و تحلیل‌های گوناگونی از آنها ارائه شده است.

از سویی دیگر گروهی از آدمیان که از طریق ارتباط با عالم غیب و وحی، اخباری از جهان غیب برای بشر به ارمغان آورده‌اند یعنی پیامبران و ائمه، نیز در مورد مرگ و تجربیات لحظات نزدیک به مرگ (احتضار) سخن گفته‌اند و فراین مرگ را برای

1 - Raymond A. Moody.

2 - Life after Life.

آدمی تشریح کرده‌اند. در حقیقت ایشان مرگ و گذر آدمی از این عالم خاکی را دارای چهار مرحله می‌دانند: (کلینی، ۳/ ۳۸۰، باب مایعین المومن والکافر، باب اخراج روح المومن والکافر)

۱- احتضار یا لحظات نزدیک به مرگ

۲- قبض روح

۳- عالم قبر و برزخ

۴- عالم آخرت و قیامت

مبنای متکلمین مسلمان در سخن گفتن از این مراحل نیز آیات قرآن و روایات متعدد است. برپایه این روایات احتضار اولین مرحله از مراحل مرگ و آخرین مرحله زندگی دنیایی انسان است. حال با توجه به دو دسته از قضایا یعنی تجربیات لحظات نزدیک به مرگ و احتضار در روایات اسلامی، این امر قابل مشاهده است که این دو گروه از قضایا ظاهراً با یکدیگر متفاوتند. یعنی گزارش افرادی که تجربیات لحظات نزدیک به مرگ داشته‌اند با سیر خروج روح از بدن و احتضار و قبض روح که توسط آیات و روایات اسلامی تشریح شده است تفاوت دارد. مسئله اصلی این مقاله اینست که راز این تفاوت در چیست؟

آیا NDE و بیان افرادی که لحظات نزدیک به مرگ را تجربه کرده‌اند باعث سستی عقاید مومنین به لحظات مرگ نمی‌شود؟ آیا علوم تجربی با تبیین و تفسیر NDE و ورود به حوزه فرا روانشناسی، عقاید دینی را به چالش می‌کشد؟ یا به تأیید مطلب و تبیین عقاید دینی می‌پردازد؟

اینک بر آنیم تا ضمن نشان دادن وجوه مشترک این تجربیات، آن‌ها را با نکات پنج‌گانه نتیجه شده از مباحث بخش اول مقاله مورد ارزیابی قرار دهیم.

۳- مشترکات تجربیات نزدیک به مرگ

از دیدگاه پژوهشگران تنها آن بخش از این گزارش‌ها می‌تواند مقرون به صحت بوده و ماحصل توهم افراد در وضعیتی که بدان دچار شده‌اند نباشد که به صورت مشترک در غالب گزارش‌ها آمده باشد. به این ترتیب احتمال صدق این گزارش‌ها تنها در مورد وجوه مشترک آن‌ها متحقق است. به همین جهت این پژوهشگران به

دسته‌بندی عوامل و جنبه‌های مشترک در این تجربه‌ها می‌پردازند. دکتر ملوین مورس عمده این نشانه‌ها را در ۹ بخش طبقه‌بندی می‌کند هر چند تقسیم این پدیده‌ها را به بیش از نه بخش انکار نمی‌کند. (مورس، ۲۳)

ولی برای اینکه به دقت بیشتری برسیم، جنبه‌های مشترک چنین ادراکاتی را با توجه به مطالب اظهار شده توسط کسانی که چنین تجربی داشته‌اند، به طور کامل احصا می‌کنیم که البته بیش از تعدادی است که دکتر مورس به بیان آنها پرداخته است. آنچه عموماً افراد در مرگهای موقت و ادراکات لحظات نزدیک به مرگ بیان نموده‌اند شامل مشترکاتی است از قرار ذیل: (Atwater - 2006)

۳-۱- آگاهی شخصی که دچار مرگ موقت پزشکی شده است نسبت به مرگ خویش
در بسیاری از موارد، اشخاص خود تصور می‌کنند که مرده‌اند، این تصور با توجه به تجربیات کودکان و تجارب نزدیک به مرگ درایشان، درآنان یافت نمی‌شود. بزرگسالانی که NDE را تجربه می‌کنند معمولاً خود به این مسئله اقرار و باور می‌کنند که در آن لحظه مرده‌اند. رشد عقلانی و قوه تجزیه و تحلیل در بزرگسالان سبب چنین برداشتی می‌شود و از آنجا که کودکان در این امر با بزرگسالان مشترک نیستند، درمورد تجربه‌های کودکان مشاهده نشده است که آنها در چنین حالاتی بگویند من مُردم. برای مثال یک بانوی ۶۵ ساله ساکن شیکاگو پس از ایست قلبی چنین تجربه‌ای را بازگو می‌کند: «به سختی می‌توان این مطلب را بیان کرد زمانی بود که من دیگر همسرشورم نبودم، مادر بچه‌هایم نبودم، فرزند پدرم هم نبودم، من تنها و به صورت کامل فقط خودم بودم». (مورس، ۲۴)
این خانم به این تجربه و باور رسیده است که مرده است و در نتیجه خود را از تمامی ارتباطات و وابستگیها و تعلقات منقطع فرض می‌کند.
این خصوصیت با نکته شماره ۲ ماخوذ از بخش اول مقاله مطابقت دارد و قابل پذیرش است.

۳-۲- احساس غوطه‌ور شدن در عشق و آرامش مطلق

معمولاً افرادی که احساس مرگ و جدایی از بدن دارند، پس از جدا شدن از کالبد مادی به یک نوع آرامش و عشق درونی می‌رسند که قابل وصف نیست. این آرامش

درونی همواره پس از احیای این افراد، توسط ایشان یادآوری شده و ایشان معتقدند در دنیا و در دوران کالبد خاکی چنین تجربه‌ای نداشته‌اند و به چنین آرامش و لذتی دست نیافته‌اند.

حدود هفتاد و پنج درصد از دیندارانی که تجربه نزدیک به مرگ داشته‌اند به چنین آرامشی دست یافته‌اند و به همین میزان نیز افرادی که هیچ اعتقادی به خداوند نداشته‌اند چنین لذتی را ادراک نموده‌اند. ۷۵ درصد از ملحدانی که NDE را تجربه کرده‌اند اذعان کرده‌اند به چنین حسی رسیده‌اند. در مجموع ۶۹٪ از افرادی که NDE را تجربه کرده‌اند، به چنین آرامشی رسیده‌اند و ۶۰٪ از کودکان نیز چنین لذتی را در ادراکات نزدیک به مرگشان تجربه کرده‌اند. این حس لذت و آرامش، از نظر آماری مهمترین و به اشتراک در ادراکات لحظات نزدیک به مرگ است. تقریباً ۶۰ الی ۷۰ درصد افراد آن را حس کرده‌اند. می‌توان گفت اکثر کسانی که NDE داشته‌اند به چنین ادراکی نایل شده‌اند. یکی از افرادی که چنین تجربه‌ای داشته‌اند در بیان احساس لذت و آرامش خود چنین می‌گوید: «زمانی که ۹ ساله بودم بدون علت روشنی بیمار شدم. درجه حرارت بدن من به ۴۴ درجه بلکه بیشتر رسیده بود... پزشکان بدن مرا کاملاً برهنه کردند و مرا در داخل وان یا حوضچه‌ای انداختند که پر از آب و قطعات کوچک یخ بود... در لحظاتی که در آب یخ غوطه‌ور بودم حالتی تغییر کرد. ناگهان احساس کردم که در هوا به صورت معلق قرار گرفته‌ام و تاریکی اطراف مرا فراگرفته است. ولی با این وجود در این شرایط ظلمانی احساس آرامش و آسایش می‌کردم.

کالبدم را دیدم که بر روی تختی افتاده و جمعی در اطراف آن به تکاپو مشغول بودند. من خیلی بی تفاوت به آنها و بدنم نگاه کردم و اصلاً احساس خاصی پیدا نکردم. در این شرایط تنها احساس می‌کردم که در اوج و نهایت سرخوشی و آرامش قرار دارم» (همانجا، ۲۵).

نمونه‌های فراوانی شبیه داستانی که ذکر شد اشاره به تجربه آرامش و عشق و نشاط درونی فردی دارند که از بدن خود جدا شده و در مرحله تجربه نزدیک به مرگ قرار دارد. به هر حال شایعترین وجه مشترک این افراد، این احساس است. این ویژگی با خصوصیت شماره ۱ از بخش اول مقاله تطابق دارد.

۳-۳-۱. ارتباط روحی و درونی

اکثر افرادی که به تجربیات نزدیک به مرگ دست یافته‌اند ارتباط خود با ارواح دیگر، فرشتگان و موجوداتی که در آن لحظات مشاهده کرده‌اند، یک ارتباط روحی، درونی و غیر زبانی معرفی می‌کنند. گویی در آن هنگام معانی بدون نیاز به محمل الفاظ، منتقل می‌شوند. شصت و پنج درصد از افراد چنین ارتباطی را به هنگام خروج از بدن تجربه کرده‌اند. این ویژگی با هیچ یک از خصوصیات پیش گفته مطابقت ندارد (همانجا، ۸۷).

۳-۴-۱. مرور زندگی گذشته^۱

تعدادی از افرادی که تجربه نزدیک به مرگ داشته‌اند بر این عقیده‌اند که در آن لحظه تمامی حوادث زندگی خود را مرور کرده‌اند. البته می‌توان این مسئله را چنین توجیه کرد که در آن لحظه، زمان بر فرد جدا شده از بدن، به گونه‌ای دیگر می‌گذرد. و هر چند مدت این تجربه به چند لحظه یا دقیقه برسد اشکال عقلی ندارد که وی تمام صحنه‌های زندگی گذشته خود را مرور کند. تقریباً ۶۲٪ از تجربه کنندگان مرگ، زندگی گذشته خود را مرور کرده‌اند. یک آمار جالب نیز از تجارب ملحدین، حاکیست صددرصد آنها در لحظات نزدیک به مرگ، زندگانی گذشته خود را مرور کرده‌اند. آیا بین الحاد و مرور زندگی گذشته رابطه معناداری می‌توان یافت! پاسخ این پرسش نیاز به بحث بیشتر دارد. در اینجا نمونه‌ای از مرور زندگی گذشته توسط خانمی ساکن اوهایو که در ۲۳ سالگی لحظات نزدیک به مرگ را تجربه کرده است را ارائه می‌دهیم.

این وجود نورانی که در کنار من قرار گرفته بود تمام جریان زندگی مرا به من نشان داد. هر کاری که شما انجام داده بودید در آنجا در برابر چشمان شما قرار می‌گرفت تا به ارزشیابی و قضاوت درباره آنها پردازی. هر چند مشاهده قسمت‌هایی از آن برای من بسیار نامطبوع بود ولی در مجموع از مشاهده تمام آن لذت می‌بردم در این رجعت به زمانهای کودکی به‌خاطرهای رسیدم که روزی یک سبدر از دست خواهرم ربودم به این علت که عروسکی در درون آن بود که من آن را دوست داشتم. در این مراجعه مجدد من از احساس خواهرم در آن لحظه آگاهی پیدا کردم و به‌این دلیل بسیار ناراحت و

1 - life review.



پشیمان گردیدم. زمانی که با انسانهایی برخورد می کردم که آنها را رنجانده بودم متأسف و ناراحت می شدم و در لحظاتی که افرادی را مشاهده می کردم که به آنها کمک کرده بودم از این عملی که انجام داده بودم شاد و مسرور می گردیدم. (همانجا، ۲۶) آنچه که در این زمینه از آیات و روایات قطعاً برداشت می شود مشاهده اعمال در قیامت است. همه افراد چه مومن و چه کافر در قیامت اعمال خود را بی کم و کاست حاضر می بینند. و از این که کوچکترین عملی فراموش نشده است تعجب می کنند. نمی توان معتقد بود که محتضر نیز اعمال خود را در هنگام احتضار مشاهده می کند ولی مشاهده اعمال در قیامت قطعی است. «وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أُخْصَاهَا وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رُبُّكَ أَحَدًا» (الکهف، ۴۹)، یعنی: کارنامه [عمل شما در میان] نهاده می شود، آن گاه بزهکاران را از آنچه در آن است بیمناک می بینی، و می گویند: «ای وای بر ما، این چه نامه ای است که هیچ [کار] کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته، جز اینکه همه را به حساب آورده است.» و آنچه را انجام داده اند حاضر یابند، و پروردگار تو به هیچ کس ستم روا نمی دارد.

۳-۵- مشاهده یک وجود مقدس و نورانی

اغلب کسانی که دچار لحظات نزدیک به مرگ می شوند وجود نورانی و آرامبخش یک کالبد انسانی را مشاهده می کنند. این کالبد مقدس از منظر مسیحیان، مسیح (ع) است و در باور مسلمانان، پیامبر اکرم (ص) یا ائمه معصومین (ع) و در باور پیروان سایر ادیان پیامبران آن دین خاص.

آمار معناداری که در این زمینه موجود است نشان می دهد ۸۱٪ کودکان مسیحی، مسیح را مشاهده کرده اند، در حالیکه افراد غیر مذهبی هرگز به چنین تجربه ای نرسیده اند و در لحظات و تجربیات نزدیک به مرگ اصلاً مسیح (ع) را مشاهده نکرده اند. این رقم این باور را تأیید می کند که در لحظات نزدیک مرگ، افراد آنچه را که انتظار دارند می بینند. از طرفی نیمی از افراد ملحد در ادراکات خود، مسیح رادرک کرده اند و به دیدار وی نایل شده اند. شاید بتوان نتیجه ای این چنین گرفت که در لحظات NDE افراد آنچه را نیاز دارند درک می کنند. (Atwater, 2008) آن گونه که پیش از این گفته شد، مطابق خصوصیت شماره ۳ و ۵ می باشد.



۳-۶- هنوز زمان مرگ فرا نرسیده است

از جمله مطالب القا شده به افرادی که تجربیات لحظات نزدیک به مرگ را درک کرده‌اند، آگاه کردن ایشان به این نکته است که هنوز زمان حضور ایشان در عالم ارواح فرا نرسیده است و آنان باید باز گردند. در حقیقت به آنان خبر داده می‌شود که آماده نیستند. ۶۷٪ از غیر مذهبی‌ها چنین جمله‌ای را شنیده‌اند. چنین چیزی با هیچ یک از خصوصیات پیش گفته تطابق ندارد.

۳-۷- جهنم

بعضی از افراد، در ادراک لحظات نزدیک به مرگ خود، احساس کرده‌اند که جهنم را مشاهده می‌کنند و با قاطعیت چنین درکی را تأیید کرده‌اند. ۳۸٪ از دینداران جهنم را در آن لحظات دیده‌اند و جالب است بدانید افراد غیر مذهبی به هیچ وجه، جهنم را ندیده‌اند. آمار مشاهده جهنم توسط غیر مذهبی‌ها صفر درصد است. این آمار باز این نکته را تأیید می‌کند که افراد در NDE هر آنچه را که باور دارند مشاهده می‌کنند. (همان) شاید بتوان این نکته را با خصوصیت شماره ۵ و ۶ تطابق داد از این رو که اشخاص خاطی با فرشتگان عذاب الهی مواجه خواهند شد و نیز آنچه می‌بینند با رویت مومنان متفاوت است.

۳-۸- عدم رغبت در بازگشت به عالم خاکی

اکثر افراد پس از احساس خروج از بدن و شناور بودن در عالم نور میلی به بازگشت به کالبد خود را ندارند. لذت و بهجت حاصله از خروج از بدن و احساس تجرد مانع از تمایل افراد برای بازگشت به جسم خود می‌شود. ولی این افراد همگی مجبور به بازگشتند و باز می‌گردند. هر چند پس از بازگشت از این رجعت ناخشنودند. «پس از مشاهده مجدد زندگی گذشته‌ام، دیگر برای بازگشت به بدنم رغبتی نداشتم. در آنجا من راحت بودم و احساس می‌کردم کالبدی که نورهای گسترده او اطرافم را احاطه کرده بود از عشق و محبت کامل و مطلق تشکیل شده است. او از من پرسید که آیا می‌خواهم به زندگی برگردم. من به او جواب منفی دادم. ولی او به من تأکید کرد که بایستی به زندگی برگردم. زیرا کارهای زیادی است که باید انجام شوند. در همین لحظات احساس کردم که به طرف بدنم کشیده یا مکیده شدم.

این بهترین تشبیهی است که از آن لحظه می‌توانم داشته باشم. در این لحظه ناگهان چشمانم را گشودم و مشاهده کردم پزشکی با دستگاه شوک الکتریکی بر بالینم ایستاده است. برای یک لحظه احساس کردم که از بازگشت به زندگی پشیمان و عصبانی هستم. بنابراین با درجاتی از بی‌ارادگی این جمله از دهان من خارج شده بود: هرگز دوباره با من به این صورت رفتار نکنید.

«به نقل از یک متخصص بیماریهای قلب که پس از مرگی موقت بار دیگر به کمک یکی از همکارانش به زندگی برگشته بود.» (مورس، ۲۷) چنین چیزی با هیچ یک از خصوصیات پیش گفته تطابق ندارد.

۳-۹- گذر از تونل نور

برخی تجربه کنندگان لحظات نزدیک به مرگ در مراحل ابتدایی جدایی از بدن از تونلی از نور عبور می‌کنند. در این تونل وارد و به سمت نور خیره کننده در انتهای آن حرکت می‌کنند.

«احساس می‌کردم که داخل تونلی قرار دارم و شاهد نوری در قسمت دیگر یا دهانه خارجی آن بودم که لحظه به لحظه بزرگتر و بزرگتر می‌شود.» «به نقل از یک دلال اتومبیل در ایالات جنوبی (آمریکا) که دچار صاعقه شده بود.» (همان، ۲۸)

۳۳٪ از افراد غیر مذهبی عبور از این تونل نور را تجربه کرده و بین ۳۰ تا ۴۰ درصد سایر افراد چنین عبوری را مشاهده کرده‌اند. نکته معناداری از این ارقام نمی‌توان استنتاج کرد. شاید بتوان گفت عبور از تونل نور، گذر از عالم ماده به عالم برزخ است. (Atwater, 2006) چنین چیزی با هیچ یک از خصوصیات پیش گفته تطابق ندارد.

۴- تجربیات ادراکی نزدیک به مرگ، واقعیت یا توهم؟

در مقابل گزارشات تجربیات نزدیک به مرگ پژوهشگران به دوگونه موضع گرفته‌اند. عده‌ای این گزارشات را حاکی از واقع دانسته و آن را دلیلی بر جاودانگی روح می‌دانند و عده‌ای دیگر این گزارشات را صرفاً توهم دانسته، ارزش علمی برای آنها قایل نیستند.

فرا روان‌شناسانی که ادراکات لحظات نزدیک به مرگ را واقعی می‌دانند معتقدند این ادراکات دلیل خوبی بر وجود روح و حیات اخروی است. اینان دو دلیل عمده بر ادعای خود آورده‌اند بدین ترتیب که:

۱- با توجه به اشتراکات فراوان در تجارب افرادی که لحظات نزدیک به مرگ را درک کرده‌اند نمی‌توان این ادراکات را توهم دانست. اشتراکات فراوان مانع از توهم انگاشتن چنین ادراکاتی است.

۲- تأثیر شگرفی که این ادراکات بر افراد گذاشته است که از جمله مهمترین آنها عدم ترس از مرگ و تغییر نگرش ایشان به مرگ است، حاکی از آنست که واقعاً این افراد یک سفر روحانی به عالم دیگر داشته‌اند و این یک توهم نیست. این افراد خود، احساس خود را واقعی بیان کرده‌اند و هرگز نمی‌پذیرند که آن سیر روحانی فقط ساخته و پرداخته ذهن ایشان بوده و توهمی بیش نبوده است. (اکبری، ۳۲۴)

۴-۱- بلک‌مور و آگوستین مخالف جدی واقع‌نگاری تجربیات لحظات نزدیک به مرگ

۱- خانم سوزان بلک‌مور با نقدی مفصل بر ادله مذکور، معتقد است نمی‌توان ادراکات لحظات نزدیک به مرگ را دلیلی بر بقای روح دانست.

به اعتقاد وی شباهتهای فراوان در این ادراکات، حاصل فعالیت‌های مغزی و حسّی افراد در لحظات نزدیک به مرگ است. چون این افراد همگی به هنگام مرگ دچار فعالیت‌های مغزی مشابه می‌گردند نتایج مشابهی نیز می‌گیرند، مثلاً در همه آنها کمبود اکسیژن، آزاد شدن اندرفین و فعالیت‌های بسیار شدید عصبی رخ می‌دهد. وی معتقد است تشابه ادراکات، نتیجه تشابه فعالیت‌های مغزی ایشان است. بلک‌مور علت پناه آوردن انسان به چنین تفکراتی را تمایل به انکار مرگ می‌داند. (susan Blackmore, 1993, p. 261)

۲- کیت آگوستین معتقد است اگر این افراد خود تجربیات لحظات نزدیک به مرگ را که تجربه کرده‌اند، واقعی می‌دانند، نمی‌توان الزاماً آنها را واقعی دانست. تمامی افرادی که به نوعی دچار توهم در اندیشه خود گشته‌اند، باور ندارند که دچار توهم شده‌اند، بلکه تمام توهمات خود را واقعیت می‌پندارند. وی بعنوان شاهدی بر مدعای خویش به افرادی که از انواع قرصهای روان‌گردان استفاده می‌کنند اشاره می‌کند که ایشان تمامی توهمات را که در اثر مصرف چنین داروهایی مشاهده می‌کنند واقعیت

می‌دانند و حتی در اثر آن توهّمات به فعالیت‌هایی نیز دست می‌زنند که گاه برای آنان خطرناک بوده و منجر به مرگ ایشان می‌شود. حال اگر این افراد توهّمات خود را واقعی می‌پندارند آیا دیگران نیز به عنوان ناظر باید الزاماً چنین توهّماتی را واقعی بپندارند؟ در صورتی که ما هرگز چنین توهّماتی را در اینگونه افراد واقعی نمی‌پنداریم. بنابراین اصرار افرادی که تجربیات لحظات مرگ را درک کرده‌اند مبنی بر واقعیت داشتن مشاهداتشان دلیلی بر واقعی بودن آن نیست. (Keit Augusting, 1997, vol, 5, no.2)

البته با توجه به گزارش‌های تجربیات لحظات نزدیک به مرگ که تاکنون به دست آورده‌ایم، نمی‌توان آنها را کاملاً توهّم نامید و افرادی که بینش مادی و ماتریالیستی دارند برای انکار وجود روح تمامی این تجربیات را توهّم می‌دانند که صحیح نیست.

نتایج مقاله

با توجه به نشانه‌های احتضار و مراتب قبض روح در روایات اسلامی که بسیار به اختصار بیان شد می‌توان گفت آنچه از مجموعه آیات و روایات قابل برداشت است، تا حدی گزارش‌های ارائه شده موسوم به NDE را تأیید می‌کند. اما نمی‌توان تمامی موارد اظهار شده در این گزارش‌ها را تصدیق نمود. دلیل بر این مطلب غیر از وجوه اختلاف میان آموزه‌های قرآنی و حدیثی دو چیز است: اول آن که آن چه در اسلام تحت عنوان احتضار و مرگ و سفر روح مطرح شده است و قرآن و روایات نیز با قطعیت چنین امری را تأیید می‌کنند در موردی است که نفس بازگشتی ندارد. دوم آن که بسیاری از اندیشمندان غربی نیز با بخشی از این گزارش‌ها مخالفت کرده‌اند و این مخالفت‌ها نشان می‌دهد که نمی‌توان همه آن‌ها را واقعی دانست. به هر روی به نظر می‌رسد تمسک به ثقلین و کتاب و سنت بهترین معیار برای تشخیص حق از باطل در این خصوص است و از پذیرش آنچه خارج از این چارچوب قرار گرفته و احتمالاً حاصل توهّم یا دریافت‌های غلط افراد می‌باشند موجه نیست.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ هـ.ق.

- ۳- اکبری، رضا، جاودانگی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- ۴- البحرانی، یوسف، الحقائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، بی تا.
- ۵- رازی، محمدشریف، کرامات صالحین، قم، حاذق، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- ۶- ديلمی، حسن بن محمد، ارشادالقلوب، تهران، نشر کتاب.
- ۷- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، بیروت، ۱۴ هـ.ق.
- ۸- الكلینی الرازی، ابوجعفر محمدبن یعقوب، الاصول من الکافی، طهران، اسلامیه، ۱۳۸۸ هـ.ق.
- ۹- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعة لدرراخبار الائمة الاطهار، مؤسسة الوفا، بیروت، ۱۴۰۵ هـ.ق.
- ۱۰- بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- ۱۱- مورس، ملوین، ادراکات لحظات نزدیک به مرگ و تحولات روحی آن، رضا جمالیان، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- ۱۲- مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، نشر هرمس، تهران، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- ۱۳- النجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ هـ.ش.
- ۱۴- هیک، جان، فلسفه دین، بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، الهدی، ۱۳۷۲ هـ.ش.
- 1- Atwater, P.M.H. common Elements Are Found in NDES. WWW.NDE.com2008.
- 2- Keith Augustine, the case Against Immortality in skeptic Magazine, 1994, vol. 5, no.2.
- 3- Susan Blacmore, Dying to live: Near Death Experiences, Buffalo, New York, Promethens Book, 1993.